

در حمایت از زندانیان سیاسی فلسطین!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

در ادامه اعتصاب غذای بیش از دو هزار نفر از زندانیان فلسطینی در سیاهچال های دولت فاشیست اسرائیل، به فراخوان سازمان الفتح در "رام الله" و برخی دیگر از شهرهای فلسطین نیز اعتصابات عمومی و تظاهراتی وسیعی در اعتراض به سیاست های دولت اسرائیل و در حمایت از این زندانیان و خواستهای آنان به راه افتاده است. اعتصابات که به گفته خود مقامات دولت اسرائیل و نهادهای بین المللی، می تواند به چاشنی یک انفجار توده ای در فلسطین تبدیل شود. کشتار و تحمیل بی حقوقی کامل به مردم فلسطین با بیش از نیم قرن تعدی دولت اسرائیل، تجاوز به زندانیان فلسطینی، زندانی کردن کودکان و شکنجه آنها و اعتراض مردم فلسطین به این توحش، امر جدیدی نیست. ... ←

انقضاء مشروعیت نظام

فواد عبداللهی

نمایش انتخاباتی اخیر جمهوری اسلامی، تفحص زیادی نمیخواهد که فضای آینده از بی اعتمادی مطلق جامعه به همه نسخه های جمهوری اسلامی را تشخیص دهیم. همه از عان دارند که کارت اصلاح رژیم سوخت، تاریخ انقضاء اعتدال در اسلامیت رژیم و خواص اش در چرخش سیاست خارجی بسر رسید، گشایش اقتصادی و سیاسی تحت عنوان "امید به بهبود" برای اکثریت مردم محروم توزرد از آب در آمد، و خلاصه کلام مراسم انتخابات بیش از همه چیز تا الان بازار گرمی از طنز و تمسخر را خلق کرده است. این شرایط را ضرر برد اعتراض و کینه تلنبار شده میلیونی جامعه از بیکاری، ناامنی، اختناق و قوانین مذهبی، نفرت از سران رژیم از خامنه ای تا روحانی بعنوان عاملین و مسببین این اوضاع کنید تا معلوم شود که این بساط مارگیری که تحت عنوان انتخابات پهن کرده اند در واقع تنها امرش حفظ نظام در مقابله با "خطر" جوشیدن از پایین است. و چرا که نه! بلاخره به پیش بردن مهندسی فلاکت اقتصادی و تحمیل اختناق سیاسی هر دو به موازات هم در دراز مدت، جامعه را از پایین علیه بالا بسیج خواهد کرد. امروز صورت مسئله برای کل نظام، رفع این "خطر" است، بویژه زمانی که خاکریزی برای پنهان شدن هم نباشد و مشروعیت در قدرت ماندن حاکمین نزد محکومین زوال یابد. تا اینجا کار، مردم ایران آخرین قالب نظام را هم تجربه کردند. امروز دیگر به سختی کسی گول وعده های صد من یه غاز امثال روحانی و بقیه شرکاء را بخورد. مردم از اینها، از فرهنگ شرق زده شان، از قوانین متحجر مذهبی شان، از برخوردشان به زن، به کارگر و به انسان، عبور کرده اند... ص ۲

فلسطین، از استقلال تا آزادی

منصور حکمت

این مطلب اولین بار در ۱۷ نوامبر ۲۰۰۰ در نشریه انترناسیونال هفتگی منتشر شد.



در محکومیت حملات ترکیه به مناطق شمالی

کردستان سوریه و عراق

آسو فتوحی



ادامه فجایع در خاورمیانه پایانی ندارد؛ چند روز پیش، بار دیگر شاهد بمب باران و توپ باران مناطق مسکونی کردشین در نوار مرزی شمال عراق و سوریه از جانب دولت ترکیه بودیم. حملاتی که به گفته برخی از خبرگزاری ها جان بیش از دویست نفر را گرفته است. رجب طیب اردغان نیز در ادامه این حملات، یادآوری کرده که "از قبل گفتم یک دفعه بر سرشان فرود خواهیم آمد و منظورمان همین کار بود که کردیم، ما زمان و مکان حمله را اعلام نمی کنیم". ایشان منظورشان از حمله همان بمباران و حملات هوایی و توپخانه ای است آن هم در خاک کشوری دیگر که نیازی هم به اعلام نمی بیند. مکان را هم لازم نیست اعلام فرمایند چون مکان و نقاط مورد حمله را همه می دانید، شهرها و روستاهایی است که مردم در آنجا زندگی میکنند که بخش اعظم آن سویل و غیر نظامی هستند و هزاران تن بمب و گلوله توپ بر سر خانه و کاشانه مردم فرو میریزد. قبل از پرداختن به این مسئله بهتر است نگاهی بسیار کوتاه به میدیای خبری داشته باشیم که چگونه این جنایات مهندسی شده را ... صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

در حمایت از ...

آنچه جدید است، شرایط متفاوتی است که امروز در جهان و در خاورمیانه ایجاد شده است. شرایطی که در آن مجدداً معضل قدیمی بی حقوقی مردم فلسطین مطرح شده است. پایان موقعیت استراتژیک خاورمیانه در جدال قطبهای ارتجاع بین المللی، شکسته شدن ائتلاف آمریکا و اروپا، تضعیف موقعیت استراتژیکی اسرائیل در خاورمیانه را به همراه داشت. امروز "مجامع بین المللی" به سادگی دیروز حاضر به حمایت بی دریغ و بی قید و شرط از سیاست های اشغالگرانه و جنایتکارانه دولت اسرائیل نیستند. اروپا

نه تنها به حمایت بی قید و شرط از اسرائیل پایان داده بلکه با تحت فشار قرار دادن این دولت، خواهان بستن پرونده این معضل تاریخی در کانون بحرانی خاورمیانه است. امروز دیگر، بسیج افکار عمومی ضد فلسطینی با مستمسک دفاع از مردم اسرائیل کارآیی خود را از دست داده است. اعتراض هرچند بی رونق "مجامع بین المللی" به وضعیت زندانیان سیاسی فلسطینی، شکنجه و عدم رعایت "حقوق بشر" در زندانهای دولت فاشیست اسرائیل ناشی از این اوضاع است. اسرائیل امروز، نه تنها اسرائیل یک دهه گذشته نیست بلکه پایان امپراتوری فاشیستی خود را مزمره می

کند. انزوای امروز اسرائیل شرایط مناسب تری را برای اعتراض مردم محروم فلسطین و پایان دان به مصائب این مردم فراهم کرده است. شرایطی که امکان حل مسئله فلسطین و پایان دادن به بی سرزمینی فلسطینیان و آوارگی و کشتار آنها، را فراهم کرده است. اینکه این امکان میتواند به واقعیت بپیوندد یا نه، خود در گرو فاکتورهای دیگر از جمله توان و قدرت نیروی های مترقی، پیشرو و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر دارد؛ جنبشی که هم اکنون در پایین می جوشد و میتواند بالا را به لرزه درآورد.

به مصائب چند ده ساله مردم فلسطین، پایان دادن به زندانی، شکنجه و قتل مخالفین سیاسی دولت فاشیست اسرائیل، بدون حل مسئله فلسطین و پایان دادن به حاکمیت فاشیسم در اسرائیل ممکن نیست. حل مسئله فلسطین، در گرو تشکیل دو دولت مستقل، در اسرائیل و فلسطین، است. اعتراض امروز زندانیان سیاسی فلسطینی، اعتصاب عمومی در شهرهای مختلف بر متن این اوضاع است که میتواند چاشنی یک انفجار اجتماعی عمیق علیه دولت اولترا راست قومی-مذهبی اسرائیل شود. در این مسیر، اگر طبقه کارگر از اسرائیل تا مصر و سوریه و لبنان و ایران، و هم

طبقه ای های آنها در سراسر جهان، بخصوص آمریکا و اروپا به میدان بیاید، میتواند نه تنها ماشین کشتار امروز دولت فاشیست اسرائیل را فلج کند و به حاکمیت اولترا راست قومی - مذهبی در اسرائیل پایان دهد، بلکه اهرم فشاری جدی برای پایان دادن به بی حقوقی مردم فلسطین و کشتار بی رحمانه آنان، که تنها و تنها با حمایت بورژوازی غرب و ارتجاع منطقه ای ممکن شده، پایان دهد.

حزب کمونیست کارگری-
حکمتیست (خط رسمی)
۳۰ آوریل ۲۰۱۷

انتقضاء مشروعیّت ...

نباید اجازه داد به بهانه دعوای داخلی، نیروی ما را بار دیگر سیاهی لشکر نزاع های خود محسوب کنند. باید در مقابل همه جریانات سیاسی که مردم را به بهانه مضحکه انتخابات ۹۶ به دنباله روی از این یا آن دارودسته جنایتکار فرامیخوانند، ایستاد، و آنها را بعنوان پروکاتوره های رژیم افساء کرد. باید حقایق مربوط به جنایتکار بودن تمام دار و دسته های حاکمیت را

مجدداً بازگو کرد. باید گفت که همه جناح ها در جهمی که آفریده اند و هریک ریاکارانه تلاش میکنند خود را از آن مبرا کنند، شریکند. برای مردم، جانی خوب و بد وجود ندارد. برای مردم، مرتجع و سرکوبگر خوب و بد وجود ندارد. همه شخصیت ها و مسئولین و کاندیداهای نظامشان، اگر دست مردم بود، امروز پشت میله های زندان در انتظار محاکمه و پاسخ گویی به پرونده جنایاتشان می بودند. به این اعتبار، تنها راه نجات جامعه ایران، ولو در

کوتاه مدت، نه انتخابات که قیام مردم است. امر ما سازمان دادن اعتراض مردم، تعریف کردن معنی سرنگونی برای مردم، متحد و قدرتمند کردن مردم و طبقه کارگر و تحزب و رفتن به سمت تصرف قدرت سیاسی است. در نتیجه کار ما دخالت کردن، سازمان دادن و بمیدان کشاندن مردم است. کار ما بازکردن چشم مردم به حقایق، به منافعشان، درست کردن شبکه های قدرت مردم، درست کردن حزب، متحد کردن هر چه وسیعتر حرکتها و سازمانها و شبکه

های کمونیستی و مبارزاتی در ایران و جلب جامعه به یک پلاتفرم و یک پرچم شفاف کمونیستی است. ما می خواهیم جامعه را از الان آنگونه آماده کنیم که در هر بزنگاهی و در هر شرایطی اگر اتفاقی خارج از کنترل ما افتاد با قدرت تمام مانع از هم پاشیدن مدنیت در جامعه، مانع سوریه ای شدن جامعه ایران شویم. با قدرت مردم و با قدرت نیروی حزب مان این امنیت را در جامعه برقرار می کنیم و هر نیروئی که بخواهد جامعه را ناامن کند از صحنه پاک میکنیم.

امروز، خود جمهوری اسلامی و موجودیت آن صورت مسئله است. انتخابات بی انتخابات! جمهوری اسلامی با این قد و قواره هیچ آینده ای ندارد. تغییر و تحولات مهمتری در راه است. ورق بر می گردد؛ اما شرط به سرانجام رساندن این تحولات در گرو روی آوری جامعه به سمت ما حکمتیست ها است. پیروزی، در گرو قدرتمند شدن ما است؛ جمهوری اسلامی به چه زبانی بگوید که تاخیر جایز نیست و باید از مسند در قدرت ماندنش ساقط شود. اندیشیدن به جابجایی قدرت سیاسی و عملی کردن آن نیازمند اتحاد و تحزب است. راه دیگری نیست.

مرک بر جمهوری اسلامی!

زنده باد سوسیالیسم!

در محکومیت ...

آنها نیز با انتشار اخباری کاملاً مهندسی شده پوشش می دهند:

"رجب طیب اردغان موضوع پیشمرگ های پ ک ک و به قول او یگانهای ویژه خلق را فقط بمباران کرده و مورد هدف قرار داده". "سازمانهای بین المللی پ ک ک را در لیست نیروهای تروریستی دارند". "ترکیه کردهای سوریه و یگانهای ویژه خلق را همدست پ ک ک می داند". "آمریکا از حملات ترکیه ناخشنود است". "آمریکا به کردهای سوریه و عراق کمک تسلیحاتی میکند تا با داعش بجنگند". "حرکت زره پوشهای آمریکائی در داخل سوریه نوعی حمایت از کردهای سوریه قلمداد می شود". "رامی عبدالرحمان مدیر گروه ناظر بر حقوق بشر سوریه گفت، به نظر می رسد اعزام این واحد زرهی به منطقه محدود باشد و با هدف پیشگیری از تکرار درگیری ها بین دو طرف صورت می گیرد". "ترکیه از آمریکا بخواهد از حمایت از این پیکارجویان کرد خاتمه دهد. اگر این کار را نکند آمریکا هم به دردمرغ خواهد افتاد". "اردغان می گوید ارتش ترکیه هر آن بخواهد در آن مناطق (مناطق کشوری دیگر) وارد عمل شود". "در بیانیه ارتش ترکیه، پیشگیری از عبور شورشیان کرد و سلاح ها و مهمات آنها از مرز و ورود به داخل کشور، هدف اصلی این حملات عنوان شده است".

ملاحظه می فرمایید؛ بزرگترین دروغ این رسانه ها این نیست که حرفی از رخداد نمی زنند بلکه مسئله این است که نصف واقعیت را می گویند و بیننده یا شنونده را برای منحرف کردن واقعیت و همچنین برای گم کردن نقش عاملین این جنایت میخوانند به مسیردیگری بکشانند. حال بماند در همین زمین بازی طراحی شده آنها هم هزار و یک تصویر و تناقض هست. برای مثال آمریکا از چه ناخشنود است؟ هیچ کجای دنیا را نمی توانید سراغ داشته باشید که جای پای جنایات آمریکا آنجا قابل شهود نباشد از ویتنام و ژاپن و افغانستان و عراق و سوریه و لیبی تا همه جای دنیا، سراغ ندارید که بمبهای اتمی و فله ای آمریکا بر سر کاشانه و مردم بی دفاع غیر نظامی فرود نیامده باشد. آمریکا سردمدار و رکوردار این نوع عملکرد و توحش و جنایت است. پس مشکل آمریکا این بین چیست؟ دلش برای کردهای منطقه میطبد؟ خیر بلکه به گفته: "مارک تونر سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا سه شنبه عصر گفت ما نگرانیم که ترکیه این حملات را بدون هماهنگی با آمریکا یا ائتلاف ضد داعش انجام داده است".

در ادامه همان نوع پوشش شاهکار خبری ظاهراً بحث اصلی دعوی مختصری بین ترکیه و کمی مشکلات موضع گیری و غیره پیش آمده که با حرکت دادن چند زرهپوش از جانب کلاتر بزرگ "آمریکا" "انشالله" مشکل حل می شود و احتمالاً دیگر از این سوء تفاهات پیش نمی آید، مردم جهان هم به بزرگی خود بخشدند دیگر.

اینجا بحث از چرا این مردم باید قربانی شوند؟ چه کسی اجازه داده که هر کسی صبح زودتر از خواب بیدار شد مدال کلاتری را بر سینه زده و دست به هر جنایتی که دلش می خواهد بزند؟ چه کسی باید پاسخ گوی پایمال شدن تمام معاهدات جنگی و دستاوردهای حقوق بشری که مردم دنیا تا به امروز با هر نواقصی که داشته باشد بدست آوردن باشد؟ آیا کسی حق دارد با علم کردن هر دروغ و دلیل اقدام به خلق جنایت مخوف جنگی بکنند؟ آیا هر کسی و هر دولت و ارگان حق دارد مردم سویل و غیر نظامی از زن و بچه و پسر و مردم عادی را زیر بمب و توپ و خمپاره به گوشت چرخ کرده تبدیل کند بدون اینکه یک ذره واهمه داشته باشد که باید در قبال جنایتی که میکند پاسخ پس بدهد؟ کسی می پرسد یعنی چه سازمان ملل حقوق بشر ابراز ناخشنودی کرده و از لحاظ حقوق بشر در آن منطقه ابراز نگرانی کرده؟ اصلاً مسئله جنایت مرتکب شده از طرف رجب طیب اردغان و دولت ترکیه در این اقدامات جایی در بحث و خبرها دارد؟

اصلاً گستاخی و بیشرمی بیشتر از این سراغ دارید؟ دو جین خبر و مصاحبه و رسانه و سازمان حقوق بشری دارند سیاه روی سفید مینویسند اما تم اصلی بحث اصلاً انگار نه انگار ده ها و صدها بچه و

مردم غیر نظامی هستند که سلاخی شده اند. اگر همه اینها یک لحظه بدن تکه تکه شده عزیزانشان را جای عزیزی که آنجا زیر بمب های اردوغان، سوخته و هزاران تکه شده بود فرض میکردند شاید وجدان نداشته شان بدرد می آمد. شاید بحث از جابجایی چند زره پوش و اختلاف نظر اردوغان با آمریکا و به بحث بر سر واقعیت و عمق فاجعه رخداد که جنایت هولناک و کشتار مردم بیگناه است برمیگشت.

این اقدام جنایتکارانه دولت ترکیه نتیجه ناکامی های سیاسی دولت اردغان در خود ترکیه و در شکست نقشه عملهایش در کل خاورمیانه است، از تغییر معادلات منطقه به ضرر آمریکا بعنوان اربابش نشئت می گیرد. این جنایات از تغییر موقعیت اروپا نسبت به آمریکا و به تبع آن نسبت به ترکیه سرچشمه می گیرد.

با هر تعبیر و تفسیری اصل مسئله اینجاست که هزینه شکست های سیاسی و استراتژیک دول قلدر در منطقه را ظاهراً باید مردم این مناطق در خاورمیانه با خون و جان شان بدهد. ظاهراً امری طبیعی شده که هر تغییر موازنه قدرت کوچک و بزرگ بر سر سهم خواهی بیشتر یا بر سر هزیمت بیشتر، حقانیت خلق جنایت را می دهد، حقانیت به خاک و خون کشیدن یک نسل از انسانها را برای این متجاوزین ممکن ساخته است. ظاهراً این متد امروز دنیا شده که چون تعدادی نظامی در بین خسیل

کثیری از غیر نظامیان هستند بمباران و توپ باران کل منطقه و شهر و روستا حقانیت پیدا کرده است. این کشتار وسیع توپخانه ای و قتل و عام عمومی و موشک باران هوایی ترکیه نیز براساس همین متد ظاهراً اقدام معقولی است. این زمین بازی شناخته شده ای در جنگ قدرت در منطقه و دنیا است. این ادامه جنگ قدرت در سوریه و عراق است و خوابی که برای این مناطق دیده شده جنایاتی هولناک تر را دامن خواهد زد. ماشین جنگی ترکیه نیز یکی از بازیگران اصلی ایجاد کثیف ترین جنایات در مناطق مرزی کردستان عراق و سوریه خواهد بود.

اقدام متوحشانه دولت ترکیه با هر بهانه ای و با دامن زدن به هر دماکوژیسم دولتی و رسانه ای و با دست بردن به هر دروغ و حربه و نیرنگی یک جنایت جنگی است و محکوم است. باید دولت ترکیه و در راس آن اردغان به عنوان جنایت کاران جنگی محاکمه شوند.

تنها راه اعتراض متحد و وسیع بشریت متمدن به جنایات جنگی و کشتار دولت ترکیه و دول دیگر سهم در خلق این قبیل جنایات در منطقه است. باید آگاه و متحد افساری به لگام افسارگسیختگی ماشین جنگی این کشورها و جنایات دولت ترکیه گذاشت.

جامعه ترکیه و نیروی معترض به سیاست های دولت ترکیه باید متحدانه به میدان آید؛ افسار زدن اردوغان و فاشیسم در ترکیه در گرو خیز برداشتن موج برگشت علیه اردوغان و دولت مربوطه است؛ کمونیستها و طبقه کارگر در ترکیه کاری دارند کارستان!

نه قومی! نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!

فلسطین، از استقلال تا آزادی

منصور حکمت



سایت آرشیو
مجموعه آثار
منصور حکمت

<http://hekmat.public-archive.net/>

نشریه هفتگی

حزب حکمتیست (خط رسم)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

بهبود میدهد. به نفع امنیت کودک فلسطینی و عابر اسرائیلی است. اما آزادی مردم فلسطین، خلاصی مردم اسرائیل از جنایاتی که

بنامشان میشود و رهایی شان از موقعیت یک ملت ستمگر، خلاصی هر دو سو از تروریسم و نفرتی که قومگیری و مذهب در هردو سوی این شکاف دامن میزنند به صرف استقلال فلسطین متحقق نمیشود.

آزادی و رهایی در فلسطین و اسرائیل در گرو سوسیالیسم و سکولاریسم در کل منطقه است. در تشکیل کشور و یا کشورهای که در آن مردم مستقل از تعلقات و یا تصورات قومی و ملی و مذهبی خویش، بعنوان شهروندان متساوی الحقوق جامعه برسمیت شناخته شوند. استقلال فلسطین کمک میکند که نبرد طبقاتی در اسرائیل و فلسطین هردو اوج بگیرد. با استقلال فلسطین منطقه به چپ میچرخد.

این مطلب اولین بار در ۱۷ نوامبر ۲۰۰۰ در نشریه انترناسیونال هفتگی منتشر شد.

سالهای بیشتری به این حمایت کور و غیر انتقادی از اسرائیل در مقابل اعراب ادامه بدهند.

در این شک نیست که بخش وسیعی از مردم در اسرائیل خواهان صلح و رابطه ای انسانی و عادلانه با مردم فلسطین اند. در این شک نیست که بخش وسیعی از مردم اسرائیل عمق ظلمی که در این نیم قرن بر مردم فلسطین رفته است را میشناسند و به آن اذعان میکنند. اما این کافی نیست. اسرائیل یک راست قومی و مذهبی بسیار قوی و فعال دارد که مرحله به مرحله و در هر قدم افق یک راه حل انسانی را کور میکند. رایین را اعراب نکشند، اینها کشتند. این راست باید در یک جدال سیاسی داخلی از طبقه کارگر و سوسیالیسم و ترقی خواهی در این کشور بطور قطع شکست بخورد. این اتفاق هنوز رخ نداده است. بدون این تعیین تکلیف امیدی به صلح پایدار و یک راه حل عادلانه نیست. یک اسرائیل قومی و مذهبی نمیتواند یکسوی یک صلح عادلانه در منطقه باشد. استقلال فلسطین یک گام مهم به جلوست. این گام نه فقط ممکن است، بلکه اکنون دیگر اجتناب ناپذیر شده است. استقلال فلسطین تناسب قوا و چهارچوب تحول سیاسی در منطقه را

دولت اسرائیل همچنان به جنگ ننگینش با کودکان فلسطینی ادامه میدهد. امروز (۱۶ نوامبر) هشت نفر دیگر از جمله یک کودک نه ساله را با گلوله کشتند. و تازه از خشونت فلسطینی ها به آمریکا شکایت میکنند! بیش از ۹۰ درصد از ۲۴۰ قربانی حوادث اخیر فلسطینی اند و بخش اعظم آنها کودکان و نوجوانان اند. این در قاموس هرکس یک جنایت جنگی است. یک نسل کشی است. این نمونه مجسم تروریسم دولتی است. در حالیکه سران دول غربی و سیاستگذاران رسانه ها همچنان به حمایت یکجانبه از اسرائیل و کتمان این حقایق ادامه میدهند، افکار عمومی در غرب و حتی خود خبرنگاران و گزارشگران غربی به نفع فلسطینی ها و علیه دولت اسرائیل میچرخد. بسیج ضد فلسطینی و ضد عرب در غرب پس از پایان جنگ سرد دیگر به صورت قبل ممکن نیست. این شکاف عمیق میان پروپاگاند دولتی و برداشتهای مردم از وقایع جاری فلسطین، دیر یا زود بروز میکند. کودک فلسطینی ای که در راه مدرسه و یا در آغوش پدر زخمی اش جان میدهد، جامعه غربی را با ریاکاری ذاتی آراء حاکم و خط رسمی رودر رو میکند. جای تردید است که دول غربی بتوانند

زنده باد انقلاب کارگری!